

بررسی تطبیقی ضرب‌المثل در زبانهای فارسی و کردی (گوش کرمانجی میانه) از دیدگاه کنشهای گفتاری سرل

شهلا حمید محمد^{۱*}، یوسف شریف سعید^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زبان، دانشگاه صلاح‌الدین، اربیل، عراق.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پلی تکنیک اربیل، دانشکده تکنیکی شقلاوه عراق.

سال نوزدهم، شماره ششم، شهریور ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۴، صص ۱۷۷-۱۵۳

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8272>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: ضرب‌المثلها بعنوان یکی از غنیترین عناصر ادبیات شفاهی، فراتر از جملاتی با ساختار ثابت و آهنگین، ابزارهایی کارآمد و پویا برای انتقال نیت گوینده و انجام کنشهای زبانی در بافتارهای گوناگون اجتماعی بشمار میروند. بررسی این عبارات از منظر کاربردشناسی میتواند زوایای پنهان ذهنیت و فرهنگ جوامع را آشکار سازد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل کاربردشناختی و مقایسه ضرب‌المثلهای زبان فارسی و گویش کردی کرمانجی میانه (سورانی) بر اساس نظریه کنشهای گفتاری جان سرل انجام شده است تا الگوی کارکردی این عبارات در خرد جمعی دو فرهنگ مشخص گردد.

روش: این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بر پایه یک پیکره زبانی متشکل از ۱۸۱۳ ضرب‌المثل شامل ۱۱۹۰ مورد فارسی و ۶۲۳ مورد کردی صورت پذیرفته است. داده‌های پژوهش استخراج شده و بر اساس پنج مقوله کنش گفتاری (اظهاری، ترغیبی، عاطفی، هشدار و تعهدی) به صورت کمی و کیفی مورد ارزیابی و طبقه‌بندی قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش: توزیع آماری و سلسله‌مراتب کنشها در هر دو زبان الگوی کاملاً یکسانی دارد. کنش اظهاری با بالاترین بسامد (فارسی ۸۱۷ مورد و کردی ۴۴۳ مورد) پرکاربردترین کنش است که نشان‌دهنده کارکرد اصلی و بنیادین ضرب‌المثلها در توصیف واقعیتها و بازنمایی جهان است. پس از آن، کنش ترغیبی قرار دارد که بازتاب‌دهنده نقش تعلیمی و کنترل اجتماعی آن‌هاست. بسامد بسیار ناچیز کنش تعهدی (تنها ۵ مورد فارسی و ۳ مورد کردی) ثابت میکند که ماهیت ضرب‌المثلها کاملاً غیرشخصی است. این همسویی شگفت‌انگیز در توزیع کنشها، نشان‌دهنده اشتراکات عمیق شناختی، فرهنگی و هم‌ریشگی فکری میان متکلمان این دو زبان است؛ هرچند تفاوت‌های ظریفی در بوم‌وردها و استعاره‌های به کار رفته (عناصر طبیعت‌گرا در کردی و مفاهیم انتزاعی‌تر در فارسی) جهت تحقق این کنشها مشاهده میشود.

نتایج: گویش کردی سورانی برای ساختن کنشهای ترغیبی یا اظهاری، بیشتر وام‌دار عناصر طبیعت، کوهستان و زیست روستایی است؛ در حالی که ضرب‌المثلهای فارسی به دلیل تنوع تاریخی شهرنشینی و تأثیرپذیری شدید از ادبیات کلاسیک، غالباً از استعاره‌های انتزاعی‌تر یا شهرتیر بهره میبرند.

تاریخ دریافت: ۱۵ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ داوری: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ اصلاح: ۰۲ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۶ تیر ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

کاربردشناسی، نظریه کنشهای گفتاری، جان سرل، ضرب‌المثل، زبان فارسی، زبان کردی (سورانی).

* نویسنده مسئول:

Yousif.saeed@su.edu.krd

☎ (۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A comparative study of proverbs in Persian and Kurdish (Middle Kurmanji dialect) from the perspective of Searle's speech acts

Shahla Hamid Mohammad^{1*}, Yousef Sharif Saeed²

1- Department of Persian Language and Literature, University of Zayan, Salahuddin University, Erbil, Iraq.

2- Department of Persian Language and Literature, Erbil Polytechnic University, Shaqlawah Technical College, Iraq.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 04 April 2026

Reviewed: 07 May 2026

Revised: 23 May 2026

Accepted: 07 July 2026

KEYWORDS

Pragmatics, Speech Act Theory, John Searle, Proverbs, Persian Language, Kurdish Language (Sorani)

*Corresponding Author

✉ Yousif.saeed@su.edu.krd

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Proverbs, as one of the richest elements of oral literature, are considered efficient and dynamic tools for conveying the speaker's intention and performing linguistic actions in various social contexts, beyond sentences with a fixed and melodious structure. Examining these expressions from a pragmatic perspective can reveal the hidden aspects of the mentality and culture of societies. The present study aims to perform a pragmatic analysis and comparison of proverbs in Persian and the Middle Kurmanji (Sorani) Kurdish dialect based on John Searle's speech act theory in order to determine the functional pattern of these expressions in the collective wisdom of the two cultures

METHODOLOGY: This study was conducted with a descriptive-analytical approach and based on a corpus of 1813 proverbs, including 1190 Persian and 623 Kurdish. The research data were extracted and evaluated and classified quantitatively and qualitatively based on five speech act categories (declarative, persuasive, emotional, warning, and imperative)

FINDINGS: The statistical distribution and hierarchy of actions in both languages have a completely identical pattern. The declarative action with the highest frequency (Persian 817 cases and Kurdish 443 cases) is the most frequently used action, which indicates the main and fundamental function of proverbs in describing realities and representing the world. After it, there is the persuasive action, which reflects their educational role and social control. The very low frequency of the imperative action (only 5 cases in Persian and 3 cases in Kurdish) proves that the nature of proverbs is completely impersonal. This surprising alignment in the distribution of actions indicates deep cognitive, cultural commonalities and intellectual roots between the speakers of these two languages; although subtle differences are observed in the metaphors and metaphors used (naturalistic elements in Kurdish and more abstract concepts in Persian) to realize these actions

CONCLUSION: The Sorani Kurdish dialect relies more on elements of nature, mountains, and rural life to construct persuasive or declarative actions; while Persian proverbs, due to their historical diversity of urbanization and strong influence from classical literature, often use more abstract or urban metaphors.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8272>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 21	 6	 7

مقدمه

زبان بمثابة یک ساختار پیچیده و بنیادین اجتماعی، کارکردی فراتر از نقش ابزاری خود به عنوان یک نظام صرفاً بازنمودی برای انتقال اطلاعات دارد. این پدیده، تجلی‌گاه عمیق فرهنگ و جهان‌بینی یک جامعه زبانی قلمداد میشود (قبادی، ۱۴۰۰: ۲). اگرچه کارکرد ارجاعی زبان وجه غالب آن محسوب میشود، اما رویکردهای نوین، بویژه در حوزه‌های کاربردشناسی، بر تحلیل نقش‌های چندوجهی کنشهای گفتاری در بافتهای موقعیتی تأکید دارند (خیرآبادی و سامنی، ۱۳۹۵: ۱۳).

در این میان، ضرب‌المثلها گوهرهای بی‌بدیل کلامی و واحدهای زبانی از پیش‌ساخته‌ای هستند که عصاره تجربیات چندین نسل را در ساختارهایی موجز و آهنگین ارائه میدهند. تحلیل ضرب‌المثلها نشان میدهد که این واحدهای کلامی بر اساس بافت گفتگو و نیت گوینده، کارکردهای پراگماتیک متنوعی از جمله آموزشی، هشدار، اقناعی و عاطفی را به عهده میگیرند (رش احمدی و شاهرودی، ۱۳۸۶: ۲۱۶). مطالعه آنها پنجرهای بسوی فهم چگونگی رمزگذاری و انتقال طرح‌واره‌های فرهنگی در قالب‌های زبانی میگشاید.

زبانهای فارسی و کردی هر دو زیرمجموعه شاخه زبانهای هندوایرانی از خانواده هندواروپایی به شمار میروند و از دیرباز ریشه‌های تاریخی و ساختاری مشترکی داشته‌اند. این قرابت عمیق که ریشه در زبانهای کهن ایرانی (از جمله مادی و اوستایی) دارد، سبب شده تا هر دو زبان به لحاظ واژگانی و الگوهای شناختی شباهتهای فراوانی داشته باشند (مدرسی، ۱۳۸۷: ۱۳۸). در این میان، گویش کردی مرکزی (سورانی) به عنوان یکی از مهمترین گویشهای کردی، دارای گنجینه‌ای غنی از ضرب‌المثلهاست که مقایسه آن با ضرب‌المثلهای فارسی میتواند ابعاد جدیدی از اشتراکات و تفاوت‌های فرهنگی این دو جامعه زبانی را روشن سازد.

برای درک دقیقتر این کارکردها، دانش کاربردشناسی و بطور خاص «نظریه کنشهای گفتاری» چارچوب تحلیلی مناسبی فراهم میکند. جان آستین نخستین بار مطرح کرد که هدف گوینده از بیان برخی جملات صرفاً توصیف واقعیت نیست، بلکه انجام دادن عملی از طریق ادای خود جمله است (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۲۹). سپس جان سرل این نظریه را در دهه ۱۹۶۰ میلادی بسط داد و کنشهای زبانی را طبقه‌بندی کرد (کاظمی و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۴). بر اساس این نظریه، زبان در بافت کنش انسانی قرار میگیرد و میتوان اهداف پنهان در جملات را واکاوی کرد (پویترس، ۲۰۰۸: ۳۳۷).

با توجه به خلأ پژوهشی موجود در تطبیق کاربردشناختی ادبیات عامه این دو زبان، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که ضرب‌المثلها در زبان فارسی و گویش کردی سورانی، با وجود برخی تفاوت‌های بومی، از منظر کنشهای گفتاری سرل چگونه عمل میکنند؟ لذا این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. کنشهای گفتاری غالب در ضرب‌المثلهای فارسی و کردی (سورانی) کدامند؟
۲. چه شباهتها و تفاوت‌هایی در الگوی توزیع کنشهای گفتاری میان ضرب‌المثلهای این دو زبان وجود دارد؟
۳. این تفاوتها و شباهتهای کاربردشناختی، بازتاب‌دهنده کدام ویژگی‌های فرهنگی و شناختی مشترک یا متمایز در دو جامعه هستند؟

روش تحقیق و جامعه آماری

این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و در چارچوب روش تطبیقی (مقایسه‌ای) انجام پذیرفته است. تحقیق حاضر، با اتکا به نظریه کنشهای گفتاری جان سرل، به واکاوی کاربردشناختی ضرب‌المثلها در دو زبان فارسی و کردی (گویش سورانی) پرداخته است. در این راستا، تلاش شده است تا با استخراج داده‌های زبانی و بررسی

بافتار کاربردی آن‌ها، توزیع آماری و کارکردهای کیفی این کنشها در دو فرهنگ مورد ارزیابی و مقایسه قرار گیرد.

جامعه آماری و پیکره اصلی این تحقیق متشکل از ۱۸۱۳ ضرب‌المثل است که از دو منبع معتبر اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. اساس کار در این بررسی تطبیقی، مبنا قرار دادن ضرب‌المثل‌های کردی بوده است؛ به همین منظور، ابتدا تعداد ۶۲۳ ضرب‌المثل اصیل کردی از کتاب «امثال و حکم» تألیف قادر فتاحی قاضی به عنوان داده‌های پایه انتخاب شدند. در ادامه، برای یافتن معادل‌ها و مشابهات دقیق آن‌ها در زبان فارسی، به کتاب جامع «دوازده هزار مثل فارسی و مشابه آن‌ها» اثر ابراهیم شکوری‌زاده بلوری مراجعه گردید که حاصل این بررسی، استخراج ۱۱۹۰ ضرب‌المثل معادل فارسی بود. فزونی تعداد داده‌های فارسی نسبت به داده‌های کردی، بیانگر آن است که در بسیاری از موارد، برای یک مفهوم یا ضرب‌المثل کردی، چندین معادل و واریانت مختلف در زبان فارسی وجود داشته است که جهت غنای هرچه بیشتر پژوهش، تمامی این مشابهات در پیکره لحاظ شده‌اند.

فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش طی چند گام روشمند صورت گرفت. نخست، پس از ثبت ضرب‌المثل‌های پایه کردی و ترجمه مفهومی آن‌ها، معادل‌های فارسی در مقابل آن‌ها تطبیق داده شدند. سپس، تک‌تک ۱۸۱۳ ضرب‌المثل استخراج‌شده بر اساس معنا، بافت کاربردی و نیت احتمالی گوینده بررسی شده و در یکی از پنج مقوله کنش‌گفتاری سرل (اظهاری، ترغیبی، عاطفی، هشدار و تعهدی) طبقه‌بندی گردیدند. در نهایت، پس از استخراج فراوانی‌ها و محاسبه درصد هر یک از کنشها در هر دو زبان، داده‌های کمی به دست آمده در قالب آمار توصیفی تنظیم شدند و مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفتند تا تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربردشناختی و بازتاب خرد جمعی در این دو جامعه زبانی تبیین گردد.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در حوزه‌های زبان‌شناسی، فرهنگ عامه (فولکلور) و تحلیل گفتمان، ضرب‌المثل‌ها را از زوایای گوناگون مورد واکاوی قرار داده‌اند. با وجود این، مطالعات تخصصی و جامعی که با ابتناء بر چارچوب نظری جان سرل به تحلیل کاربردشناختی کنشهای گفتاری ضرب‌المثل‌ها در زبان فارسی پرداخته باشند، انگشت‌شمارند. به‌رغم انجام تحقیقات پراکنده در سایر زبان‌ها با رویکردهای متمایز، خلأ چنین رویکرد روش‌مندی در ادبیات پژوهشی زبان‌شناسی فارسی کاملاً مشهود است. در ادامه، به مهم‌ترین مطالعات پیشین که معطوف به بررسی کارکردهای زبانی و کنشهای گفتاری ضرب‌المثل‌ها بوده‌اند، پرداخته می‌شود:

شریف‌راد (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی بین‌فرهنگی ضرب‌المثل‌های تجسمی فارسی و آمریکایی با ارجاع به افعال ادراک دوگانه»، نشان داد که کنش گفتاری غالب در امثال هر دو فرهنگ، ارائه مشورت غیرمستقیم و بیان احکام قطعی است. افزون بر این، یافته‌های وی حاکی از آن است که زیرساخت شناختی این ضرب‌المثل‌ها، بیشتر بر پایه استعاره استوار است تا مجاز.

بتی اوکوتوری (۲۰۲۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل کاربردشناختی ضرب‌المثل‌های کلوکوما»، به واکاوی کنشهای گفتاری مستتر در امثال زبان کلوکوما پرداخت. نتایج این بررسی مشخص کرد که ضرب‌المثل‌های این زبان، قابلیت ایفای طیف وسیعی از کنشهای گفتاری از قبیل اثبات، مشورت، هشدار و ترغیب (تشویق) را دارا هستند.

ماکوی (۲۰۲۲) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل کاربردشناختی کنش گفتاری مشورت در ضرب‌المثل‌های یاکا»، کارکرد مشاوره‌ای امثال این زبان را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های وی مؤید آن است که بخش عمده‌ای از این ضرب‌المثل‌ها دارای ماهیت مشورتی هستند؛ همچنین وی دریافت که این امثال از قواعد معنایی و کاربردشناختی مشخصی پیروی میکنند که مانع از بروز نارسایی‌های ارتباطی در بافتار کلام میشود.

کلگر (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «ضرب‌المثل‌ها بمثابة کنش گفتاری در انگلیسی و چکی»، به تحلیل نحوه عملکرد ضرب‌المثل‌ها در دو زبان انگلیسی و چکی پرداخت. این تحقیق نشان داد که نسبت قابل‌توجهی از ضرب‌المثل‌ها در متن‌های واقعی دیگر بعنوان کنش خودایستا عمل نمیکند و نیت‌شان تغییر می‌یابد، به این معنی که شرط «موفقیت» آن‌ها به بافت بستگی دارد. این پژوهش نشان داد که شرایط تحقق ضرب‌المثل بعنوان کنش گفتاری (مثل شکل‌های تغییر یافته، کوتاه‌شده، یا غیرکانونیکال) بسیار مهمتر از خود حضور ضرب‌المثل در شکل «کانونیکال» است.

پورمهدی، عابدی و لطفی رضا الکاک (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی دوگانه نیکی و بدی در امثال و حکم فارسی و کردی»، به بررسی و واکاوی این دو مفهوم در بافتار ضرب‌المثل‌های رایج دو زبان پرداخته‌اند. فرض بنیادین نویسندگان بر این استوار است که پیوندهای عمیق تاریخی، زبانی و فرهنگی میان کردزبانان و فارسی‌زبانان، به تکوین سرمایه‌های فرهنگی مشترکی انجامیده که بارزترین تجلی آن در ادبیات عامه و امثال مشهود است. این پژوهش تطبیقی-تحلیلی که با اتکا به منابع کتابخانه‌ای انجام شده، بر روی ۵۲ زوج‌مثل که در هر دو زبان دارای قرینه و معادل دقیق معنایی بوده‌اند، متمرکز است. یافته‌ها حاکی از همگرایی و اشتراک ارزشی چشمگیر میان این دو فرهنگ است؛ بگونه‌ای که از مجموع ۵۲ نمونه مورد بررسی، تنها ۱۴ مورد از منظر سطح زبانی و شیوه بیان تفاوت داشته‌اند و سایر موارد از تطابق کامل یا شباهت بسیار بالا برخوردار بوده‌اند. علاوه بر این، نظام ارزش‌گذاری در مواجهه با دوگانه‌ی «نیکی» و «بدی» در هر دو زبان کاملاً هم‌سو است. پژوهشگران ریشه این اشتراکات را در درجه‌ی نخست برخاسته از تعالیم مشترک اسلامی-مذهبی و در مرتبه‌ی بعد، متأثر از سنت‌ها و باورهای بومی و منطقه‌ای دانسته‌اند.

در حوزه‌ای مرتبط با کارکرد بافتی امثال، اشیپو و آمنده (۲۰۱۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «ضرب‌المثل‌ها بعنوان کنش گفتاری موقعیتی»، استدلال کردند که بسامد بالای استفاده از ضرب‌المثل‌ها در گفتمان شفاهی، سخنرانی‌های عمومی و متون بلاغی، صرفاً محدود به انتقال پیام‌های اخلاقی نیست. به زعم آنان، ضرب‌المثل‌ها ماهیتی «موقعیتی» دارند و بعنوان کنشهایی هدفمند برای آرایش کلام، پنهان‌سازی مقاصد گوینده و یا زیباسازی ساختار سخن بکار گرفته میشوند.

همچنین از منظر بررسی کنشهای خاص زبانی در فرهنگ ایرانی، شریفی و ابراهیمی (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی کنشهای گفتاری نفرین و دعا در زبان فارسی»، به طبقه‌بندی و تحلیل گفتمان این قسم از گزاره‌ها پرداختند. پژوهشگران یادشده با تمرکز بر کنشهای گفتاری «عاطفی»، به این نتیجه دست یافتند که دعاها و نفرین‌ها از ارکان مهم کارکردهای فرهنگی زبان محسوب میشوند؛ چرا که این ساختارهای زبانی ظرفیت آن را دارند تا بطور هم‌زمان بعنوان «ابزار ابراز هیجانات و عواطف درونی» و «بستری برای بیان و تثبیت هنجارهای اجتماعی» عمل نمایند.

با وجود پژوهشهای ارزشمندی که پیش‌تر بدانها اشاره شد، عمده‌ی این مطالعات بر تحلیل کارکرد ضرب‌المثل‌ها در سایر زبان‌ها (نظیر انگلیسی، چکی، یاکا و کلوکوما) یا بررسی موردی کنشهای گفتاری خاص (همچون

مشورت، دعا و نفرین) متمرکز بوده‌اند؛ از این‌رو، خلأ یک تحلیل جامع‌کمی-کیفی که دربرگیرنده تمامی مقولات کنشهای گفتاری در چارچوب نظری جان سرل بر گستره‌ی ضرب‌المثل‌های زبان فارسی باشد، به‌وضوح احساس می‌گردد. وجه تمایز، ضرورت و نوآوری پژوهش حاضر در قیاس با پیشینه علمی موجود، در این امر نهفته است که مطالعه‌ی پیش‌رو، برخلاف غالب تحقیقات گذشته که صرفاً به واکاوی یک کنش منفرد (مانند کنش مشورتی یا ابراز عاطفه) بسنده کرده‌اند، هر ۵۵۵ دسته‌ی اصلی کنشهای گفتاری سرل را به‌شیوه‌ای نظام‌مند، ساختارمند و در بستر یک جامعه‌ی آماری مشخص از ضرب‌المثل‌های کردی و فارسی مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است.

مبانی نظری

مقوله‌ی «کنش گفتاری»^۱ یکی از ارکان و مباحث بنیادین در حوزه‌ی کاربردشناسی زبان^۲ بشمار میرود که نقش مهمی در عبور از رویکردهای صرفاً ساختارگرا به سمت رویکردهای نقش‌گرا ایفا کرده است. در تبیین این مفهوم، آفاگل‌زاده (۱۳۸۵: ۲۳۵) کنش گفتار را بعنوان یکی از شاخه‌های کلیدی کاربردشناسی معرفی میکند و موضوع محوری آن را «معانی خاصی» میداند که کنشگرانِ گفتمان (گوینده و شنونده)، با اتکا به دانش پس‌زمینه‌ای مشترک و ارزیابی متقابلشان از بافتار متن، به اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن پیام زبانی نسبت میدهند. بر این مبنا، زبان صرفاً ابزاری برای توصیف جهان نیست؛ بلکه همان‌طور که ساجدی (۱۳۸۱: ۳۸) اشاره میکند، کنش گفتار دلالت بر «عملی» دارد که به‌واسطه‌ی یک پاره‌گفتار هدفمند و ارادی، و با نیت خلق یک جریان، اثر یا کنشی مشخص در جهان پیرامون به وقوع می‌پیوندد.

اصل بنیادین و مفروض قطعی در نظریه‌ی کنشهای گفتاری این است که هیچ رخداد کلامی و گفتگویی در یک «خلأ ارتباطی» شکل نمی‌گیرد؛ از این‌رو، شناخت و واکاوی «بافت»^۳ پیش‌شرطی گریزنپذیر برای درک مقاصد پنهان کلام است. بر همین اساس، تحلیل دقیق کنشهای گفتاری نهفته در هر متنی، مستلزم التفات عمیق و همه‌جانبه به بسترهای انضمامی آن، اعم از شرایط اجتماعی، تاریخی و سنن ادبی است. این رهیافت کاربردشناختی، دقیقاً در نقطه مقابل آن دسته از رویکردهای فرمالیستی و صورت‌گرایی قرار می‌گیرد که متن را بعنوان هویتی مستقل و غافل از بافت گفتمانی و محیط اجتماعی پیرامون آن مورد واکاوی قرار میدهند (حسینی معصوم و رادمرد، ۱۳۹۴: ۷۲).

اهمیت این درهم‌تنیدگی زبان و محیط به حدی است که مفهوم «بافت موقعیت»^۴ برای نخستین بار توسط برانیسلاو مالینوفسکی، مردم‌شناس برجسته‌ی لهستانی، وارد مطالعات زبانی شد. وی بر این باور استوار بود که زبانهای زنده را نمیتوان در انزوا و به‌صورت انتزاعی بررسی کرد؛ بلکه مطالعه آنها باید لزوماً در بطن امور روزمره، زیست اجتماعی و فعالیت‌های جاری سخنگویان صورت پذیرد (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۱). در نتیجه این نگرش، بافت دیگر یک مفهوم حاشیه‌ای نیست، بلکه شبکه‌ای دربرگیرنده تمامی مؤلفه‌ها و شاخص‌های تعیین‌کننده همچون مختصات زمانی و مکانی گفتار، هویت فردی و اجتماعی طرفین ارتباط، و ماهیت سلسله‌مراتب و روابط

^۱ - Speech Act

^۲ - Pragmatics

^۳ - Context

^۴ - Context of Situation

حاکم میان آن‌هاست که وجودشان برای فهم عمیق، تفسیر اصولی و ارزیابی نهایی هر گفتمانی کاملاً ضروری و حیاتی است (نامداری و عبادی، ۱۳۹۶: ۲۲۳).

نظریه «کنش گفتار» از منظر خاستگاه و قلمرو معرفتی، ریشه در مباحث بنیادین «فلسفه‌ی زبان» دارد و تمرکز اصلی آن بر تحلیل کارکردها، مقاصد و نقش‌های فعل و جمله در فرآیند پیچیده گفتمان است (نجفی ایوکی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴). شالوده این نظریه، نخستین بار توسط جان لانگشاو آستین^۱، فیلسوف برجسته زبان و از چهره‌های شاخص مکتب آکسفورد، طی سلسله سخنرانی‌هایی در دهه ۱۹۳۰ میلادی در دانشگاه هاروارد پایه‌گذاری گردید. ایده‌های وی پس از دو دهه بسط و تکامل فکری، سرانجام در قالب کتاب جریان‌ساز و تأثیرگذار «چگونه با کلمات کار انجام دهیم؟» به منصف ظهور رسید و تحولی بنیادین در زبان‌شناسی ایجاد کرد (عباسی، ۱۳۹۲: ۲۹). آرای مطرح‌شده توسط آستین، در واقع واکنشی انتقادی و ساختارگشایانه به پارادایم مسلط و دیدگاه سنتی فلاسفه و معنی‌شناسان اثبات‌گرای پیش از وی بود. در رهیافت سنتی، سه انگاره قطعی وجود داشت: (۱) جملات خبری، گونه‌ی اصیل، پایه و معیار جملات در هر زبانی محسوب میشوند؛ (۲) کارکرد غایی و اصلی زبان، صرفاً اطلاع‌رسانی و بازنمایی واقعیت است؛ و (۳) معنای هر پاره‌گفتار را لزوماً باید با ترازوی منطق و معیار «صدق و کذب» مورد سنجش قرار داد (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۷۳؛ صفوی، ۱۳۸۲: ۳۵).

آستین با به چالش کشیدن و رد این اصول تقلیل‌گرایانه، استدلالی نوین را بنا نهاد مبنی بر اینکه بخش عمده‌ای از تولیدات زبانی انسانها، اساساً با هدف توصیف منفعلانه جهان پیرامون ادا نمیشوند، بلکه ابزاری نیرومند برای «انجام دادن یک کار» و اعمال تغییر در واقعیت اجتماعی هستند. وی این دسته از پاره‌گفتارها را که از دایره ارزیابی صدق و کذب خارج‌اند، «جملات کنشی» یا «انجامگر» نام‌گذاری کرد؛ دلیل این نام‌گذاری آن است که تولید و ادای این جملات - مشروط بر آنکه در شرایط مناسب بافتی و توسط افراد ذی‌صلاح صورت پذیرد - خود به‌منزله تحقق، خلق و اجرای یک عمل قراردادی و نهادینه‌ی اجتماعی است (برای نمونه، ادای کلمه‌ی «بله» در مراسم ازدواج که صرفاً گزارش یک حالت نیست، بلکه خود عمل پیوند زناشویی را محقق می‌سازد) (کاظمی و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۶؛ لطفی‌پور، ۱۳۷۲: ۱۰).

نظریه سرل

جان راجرز سرل^۲، متولد سال ۱۹۳۲ میلادی در دنور ایالات متحده، یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین فلاسفه تحلیلی معاصر به شمار میرود. وی تحصیلات عالی خود را در حوزه‌های میان‌رشته‌ای فلسفه، سیاست و اقتصاد در دانشگاه آکسفورد به انجام رساند. سرل پس از آن با آغاز تدریس و ارائه‌ی سخنرانیهای جریان‌ساز در دانشگاه کالیفرنیا، برکلی در سال ۱۹۵۹، توجه گسترده‌ی مجامع علمی را به خود جلب نمود. در محافل آکادمیک، سرل را غالباً «فیلسوف فیلسوفان» لقب داده‌اند؛ چراکه گستردگی، عمق و تنوع مباحثی که وی در طول حیات علمی خویش به آن‌ها پرداخته و ساختارمند نموده است، فراتر از دایره‌ی فعالیت‌های متعارف یک پژوهشگر در حوزه‌ی فلسفه ارزیابی میشود.

افزون بر این، وی بواسطه استقلال فکری، صراحت در بیان دیدگاه‌های دانشگاهی، و تلاش برای نقد و بازنویسی قواعد بنیادین مکاتب فکری آمریکایی با در نظر گرفتن رویکردهای چندفرهنگی، بعنوان متفکری جسور و نوآور

^۱ - J. L. Austin

^۲ - John R. Searle

شناخته شده است. ویژگی بارز سبکی او، پرهیز از ابهام‌آفرینی و بیان شفاف و دقیق مقاصد در سخنرانی‌ها و رسالات فلسفی است؛ رویکردی که نه‌تنها وی را به یکی از نافذترین اندیشمندان عصر خود بدل ساخته، بلکه مسیر را برای فهم عمومی و بسط جهانی اندیشه‌های فلسفی‌اش هموار نموده است (باج، ۱۳۹۶: ۴۷-۴۸). یکی از محوریت‌ترین کانونهای توجه و دستاوردهای بنیادین سرل، بسط و نظام‌مندسازی نظریه «کنش‌گفتار» است. آرای نظری وی در این قلمرو، در قالب آثار جریان‌سازی منتشر شده است که از شاخص‌ترین آن‌ها میتوان به کتاب کلیدی «کنشهای گفتاری: مقاله‌ای در فلسفه‌ی زبان» در سال ۱۹۶۹ اشاره نمود. با این حال، دامنه‌ی کاوش‌های وی به قلمرو زبان محدود نماند و با تألیف آثار برجسته دیگری همچون «حیث‌التفاتی: مقاله‌ای در فلسفه ذهن» (۱۹۸۳) و «ساخت واقعیت اجتماعی» (۱۹۹۵)، منظومه فکری خویش را بسط داد. این سیر تکاملی به‌خوبی نشان‌دهنده پیوند عمیق اندیشه‌های اوست که در یک پیوستار منطقی، سه حوزه کلان فلسفه زبان، فلسفه ذهن (شناخت)، و فلسفه اجتماع را در یک چارچوب منسجم نظری به یکدیگر گره می‌زند (عباسی، ۱۳۹۲: ۴۸).

انواع کنشهای گفتاری از دیدگاه سرل

جان سرل در راستای تکمیل و نقد آرای پیشینیان خود، تقسیم‌بندی جامع‌تر و متفاوتی از کنشهای گفتاری ارائه مینماید که از تنوع و ظرافتهای معنایی به‌مراتب بیشتری برخوردار است. در دستگاه فکری سرل، مقوله «بافت» بعنوان یکی از بنیادین‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین مؤلفه‌ها در طبقه‌بندی و تحلیل انواع کنشهای گفتاری، نقشی محوری ایفا میکند. از منظر وی، چگونگی تکوین و شکل‌گیری بافت حاکم بر یک کنش گفتاری، با ماهیت ذاتی و مقصود غایی نهفته در تولید آن پاره‌گفتار، در تعاملی تنگاتنگ و ناگسستنی قرار دارد. برای نمونه، در این رهیافت باید بررسی شود که آیا یک کنش زبانی صرفاً یک رخداد کلامی است یا ماهیتی فراتر داشته و یک «عمل اجتماعی» را رقم می‌زند؛ و متعاقباً، آن کنش دقیقاً چه نوع عمل اجتماعی و چه سطحی از تعهد یا تأثیر را محقق می‌سازد (کاظمی و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۳۷).

بر همین اساس، در تحلیل کاربردشناختی کنشهای گفتاری در متون گوناگون، الزامی است که مختصات بافت دربرگیرنده کنش و همچنین ماهیت عمل اجتماعی مستتر در نیت گوینده، با دقتی موشکافانه مورد واکاوی قرار گیرد. با این حال، در سیر تکوینی این نظریه و پیش از آنکه سرل طبقه‌بندی نهایی و نظام‌مند خود را (شامل کنشهای اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی) تثبیت نماید، جان آستین در مسیر تبیین نظریه کنش گفتار خویش، برای نخستین بار پایه‌های این دسته‌بندی را بنا نهاد و اقدام به طبقه‌بندی افعال کنشی در پنج حیطه مجزا و بنیادین نموده بود که زمینه‌ساز دسته‌بندیهای بعدی شد (همان: ۳۸).

کنش اظهاری

هدف غایی و کارکرد اصلی این دسته از کنشهای گفتاری، بازنمایی و توصیف یک حالت، رخداد یا واقعیت در جهان پیرامون است. در کنشهای اظهاری، گوینده (با درجات متفاوتی از قطعیت) تعهد و باور قلبی خود را نسبت به صدق یا کذب یک گزاره یا وضعیت بیان می‌دارد. به بیان دیگر، در این نوع کنش، جهت تطابق از «واژه به جهان» است؛ بدین معنا که گوینده تلاش میکند تا کلام خود را با پدیده‌ها و واقعیات جهان خارج منطبق سازد. بعنوان نمونه‌های استاندارد زبانی میتوان به جملاتی نظیر: «مثال ۱) زمین به دور خورشید می‌چرخد» و «مثال ۲) ظاهراً فردا باران خواهد بارید» اشاره کرد که در آنها گوینده وضعیت خاصی از جهان را توصیف میکند (کاظمی و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۴۲-۴۱).

در ساختار این کنشها، غالباً از واژگان و قیودی استفاده میشود که میزان قطعیت یا تقریبِ باورِ گوینده را نشان میدهند؛ از جمله این عبارات میتوان به مواردی نظیر «تا اندازه‌ای»، «مقداری»، «تقریباً» و نظایر آنها اشاره نمود (رمضانزاده، ۱۳۸۶: ۹۵). همچنین، در تحلیل واژگانی این مقوله، طیف وسیعی از افعال کنشی وجود دارند که ماهیت اظهاریِ پاره‌گفتار را برجسته می‌سازند. برخی از مهمترین این افعال عبارت‌اند از: «آغاز کردن یک عمل، ابراز کردن، اثبات کردن، ادعا کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، تصحیح کردن، تغییر فعالیت دادن، اظهار کردن، اعتراض کردن، اعطا کردن، اعلان کردن، التماس کردن، بحث کردن، تفسیر کردن، تکذیب کردن، توصیف کردن، دسته‌بندی کردن، دفاع کردن، دلیل آوردن، رها کردن، شرح دادن، گزارش دادن، گفتن، محدود کردن، مطمئن بودن، معرفی کردن، نسبت دادن، نفی کردن، نقد کردن و واگذار کردن» (کاظمی و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۴۲ - ۴۳).

افزون بر افعال یادشده، ابزارها و قالبهای صریحِ نحوی متعددی نیز برای تسهیل شناخت و برجسته‌سازیِ کنش اظهاری در بافت کلام به کار می‌روند که از رایج‌ترین آنها میتوان به ساختارهایی نظیر: «من میگویم که...»، «من اظهار میکنم که...»، «من تأیید میکنم که...»، و «من تصحیح میکنم که...» اشاره کرد (همان).

کنش ترغیبی

هدفِ غیربیانی و کارکرد بنیادین این دسته از کنشهای گفتاری، واداشتن، تشویق یا ترغیبِ مخاطب به انجام یک عملِ خاص است. محتوای گزاره‌ایِ نهفته در این نوع کنشها، همواره ناظر بر وقوعِ رویداد یا کنشی است که شنونده قرار است در آینده آن را محقق سازد. در واقع، کنشهای ترغیبی بازتاب‌دهندهٔ خواست، میل و ارادهٔ درونی گوینده برای جهت‌دهی به رفتارِ مخاطب هستند و در ساختارِ زبانی، غالباً در قالبِ پرسش‌ها یا درخواست‌ها نمودِ عینی می‌یابند (کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۶). به عنوان نمونه‌ای استاندارد در این زمینه میتوان به جملهٔ «آیا ممکن است در جابه‌جاییِ این میز به من کمک کنید؟» اشاره کرد؛ پاره‌گفتاری که اگرچه از منظرِ نحوی در قالبِ پرسش صورت‌بندی شده است، اما در بافتارِ کاربردشناختی، یک درخواستِ ترغیبی صریح محسوب میگردد.

در ساختار و ماهیتِ این نوع از کنشهای گفتاری، از مخاطب (شنونده) خواسته میشود تا فعلی را انجام دهد، از تداوم آن دست بکشد، و یا اساساً از ورود به یک عملِ خاص خودداری نماید (جهتِ تطابق در اینجا از «جهان به واژه» است). بر این مبنا، کنشهای ترغیبی طیفِ بسیار گسترده‌ای از مقاصدِ ارتباطی را در بر میگیرند که از جملهٔ آنها میتوان به مفاهیمی نظیر «پرسیدن»، «دستور دادن»، «تهدید کردن»، «اعتراض کردن»، «اخطار دادن»، «هشدار دادن» و «التماس کردن» اشاره نمود (رمضانزاده، ۱۳۸۶: ۸۹).

در واکاویِ سطحِ واژگانیِ این مقوله، افعال متعددی وجود دارند که بارِ معناییِ کنش ترغیبی را بر دوش میکشند. برخی از مهمترین این افعال عبارت‌اند از: «توصیه کردن، سؤال کردن، پند و اندرز دادن، پیشنهاد کردن، تجویز کردن، تقاضا کردن، تکرار کردن، توانستن، توضیح خواستن، خواستن، درخواستِ اثبات کردن، درخواستِ اطلاعات کردن، اجازه دادن، اصرار و پافشاری کردن، اعلام نیاز کردن، التماس کردن، القا کردن، بازخواست کردن، بایستن و لازم بودن، به مبارزه طلبیدن، بی‌توجهی کردن، درخواست کردن، دستور دادن، دعوت کردن، دوباره راه انداختن، شرط کردن، شرط گذاشتن، گدایی کردن، معذرت‌خواهی کردن، نصیحت کردن و هشدار دادن» (همان: ۸۹).

افزون بر افعال یادشده، در زبان‌شناسی کاربردی، ابزارها و قالبهای صریح گوناگونی برای تسهیل شناخت و بازنمایی کنش‌ترغیبی در بافت کلام تعریف شده‌اند. از رایج‌ترین این ساختارهای قالبی میتوان به مواردی نظیر: «من می‌خواهم که...»، «من هشدار میدهم که...»، «من توصیه میکنم که...»، «من دستور میدهم که...»، «من دعوت میکنم که...»، «من اجازه میدهم که...»، «من اخطار میدهم که...»، «من به [شخص] نصیحت میکنم که...»، «من سؤال میکنم که...»، «من پیشنهاد میکنم که...»، «من تقاضا میکنم که...» و «من تکرار میکنم که...» اشاره کرد (کاظمی و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۴۶).

کنش تعهدی

کنشهای تعهدی به آن دسته از کنشهای گفتاری اطلاق می‌گردد که در آنها، گوینده بطور ارادی خویشتن را به انجام یا عدم انجام یک عمل مشخص در آینده متعهد می‌سازد. به بیان دیگر، گوینده از طریق بکارگیری مفاهیمی چون قول دادن، سوگند یاد کردن، تضمین دادن و اعمالی از این دست، بار مسئولیت تحقق یک رویداد آتی را بر عهده می‌گیرد. هدف غایی در این نوع از کنشهای گفتاری، ایجاد تطابق میان جهان پیرامون با محتوای گزاره‌ای بیان شده است؛ با این تفاوت که در اینجا، جهت تطابق مستلزم عاملیت و اقدام مستقیم خود گوینده در زمان آینده خواهد بود. بعنوان نمونه‌ای روشن و ملموس از این کنش میتوان به جمله «من قول میدهم فردا به مدرسه بروم» اشاره نمود که در آن، تعهد گوینده به انجام یک فعل خاص به صراحت بیان شده است. در تحلیل سطح واژگانی این مقوله، افعال متعددی وجود دارند که بار معنایی التزام و تعهد را در بافت کلام منتقل می‌سازند. از برجسته‌ترین این افعال کنشی میتوان به مواردی نظیر: «ضمانت کردن»، «قول دادن»، «بیان موافقت کردن»، «تعهد دادن»، «تقدیم کردن»، «داوطلب شدن»، «قسم خوردن» و «متعهد شدن» اشاره کرد. افزون بر این، در ساختار نحوی زبان، ابزارها و قالبهای صریحی جهت تسهیل در بازشناسی و تأکید بر این کنش گفتاری تعریف شده‌اند که از جمله‌ی آنها میتوان عباراتی نظیر: «من قول میدهم که...»، «من تعهد میدهم که...»، «من دعوت میکنم که...» و «من قسم می‌خورم که...» را برشمرد (پهلوان‌نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

کنش عاطفی

کنشهای عاطفی دربرگیرنده‌ی آن دسته از پاره‌گفتارهایی هستند که هدف بنیادین و کارکرد اصلی آنها، بازنمایی و ابراز احساسات، عواطف و حالات روحی و روانی گوینده نسبت به یک وضعیت یا گزاره خاص است. در این نوع از کنشهای گفتاری، گوینده تلاش نمیکند جهان را با کلام خود تطبیق دهد یا بالعکس، بلکه صرفاً نگرش و وضعیت درونی خویش را نسبت به یک واقعیت مفروض بیان می‌دارد. این امر غالباً از طریق اعمال زبانی مشخصی نظیر تبریک گفتن، قدردانی کردن، تشکر کردن، عذرخواهی نمودن و یا حتی ناسزا گفتن تحقق مییابد (کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۸).

در بررسی سطح واژگانی این مقوله، طیف وسیعی از افعال برای انعکاس دقیق این حالات عاطفی به کار می‌روند. از جمله مهم‌ترین این افعال مرتبط با کنش عاطفی میتوان به مواردی نظیر: «آرزو کردن»، «تشکر کردن»، «تأمل کردن»، «تبریک گفتن»، «تردید داشتن»، «تسلیم شدن»، «تعجب کردن»، «اظهار همدردی کردن»، «اهانت کردن»، «تمجید کردن»، «خشمگین شدن (یا کردن)»، «خشنود شدن»، «دشنام دادن»، «سلام دادن»، «شکایت کردن»، «معذرت‌خواهی کردن» و «ناسپاسی کردن» اشاره نمود (پهلوان‌نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

افزون بر افعال یادشده، در ساختار زبانی، ابزارها و قالب‌های صریحی جهت تسهیل در بازشناسی کنش عاطفی در بافت کلام تعریف شده‌اند. از رایج‌ترین این ساختارهای قالبی میتوان عباراتی نظیر: «من تشکر میکنم که...»، «من معذرت میخواهم که...»، «من تبریک میگویم که...»، «من تردید دارم که...» و «من خشنود هستم که...» را برشمرد (همان).

کارکرد اثربخش این نوع از کنشها را میتوان در متون بنیادین و مقدس نیز رهگیری نمود. بعنوان نمونه، در متن قرآن کریم، بمنظور انتقال دقیق پیام، تبیین مقاصد الهی و ارتقای سطح اثرگذاری کلام بر مخاطب (انسانها)، از تنوع گسترده‌ای از واژگان، جملات و قالب‌های بلاغی بهره گرفته شده است. در این راستا، استفاده از ساختارهای زبانی دربردارنده کنشهای عاطفی که بازتاب‌دهنده حالات روحی و روانی خاصی هستند، نقشی بسزا در این بلاغت کلامی ایفا میکند؛ مفاهیمی که بسته به اقتضای بافتار، در هیئت جملات متنوع خبری و انشایی صورت‌بندی و ارائه شده‌اند.

کنش هشدار

کنشهای هشدار دربرگیرنده آن دسته از پاره‌گفتارهایی هستند که رسالت و کارکرد بنیادین آنها، آگاه‌سازی مخاطب نسبت به وقوع یک خطر، پیامد منفی، آسیب بالقوه یا وضعیت نامطلوب در آینده است. در این نوع از کنشهای گفتاری، گوینده با درک یک تهدید احتمالی، تلاش میکند تا شنونده را از عواقب ناگوار یک عمل یا موقعیت خاص مطلع سازد. هدف غایی در کنش هشدار، صرفاً انتقال یک خبر نیست، بلکه ایجاد نوعی بازدارندگی، بیداری ذهنی و ترغیب مخاطب به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه یا اجتناب از رفتارهای پرخطر است. این کنش به دلیل ماهیت بازدارنده و محافظتی خود، جایگاه ویژه‌ای در تعاملات زبانی روزمره و همچنین متون تعلیمی دارد.

در بررسی سطح واژگانی این مقوله، افعال مشخصی به کار میروند که بار معنایی هشدار، احتیاط و پیشگیری را در بافت کلام منتقل میسازند. با الگوبرداری از دسته‌بندیهای زبانی، از جمله مهمترین افعال مرتبط با کنش هشدار میتوان به مواردی نظیر: «هشدار دادن، اخطار کردن، بر حذر داشتن، زنهار دادن، بیم دادن، تهدید کردن، منع کردن، دوراندیشی کردن و انذار دادن» اشاره نمود (کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۸).

افزون بر افعال یادشده، در ساختار نحوی زبان، ابزارها و قالب‌های صریحی (Explicit) جهت تسهیل در بازشناسی و تأکید بر این کنش در بافت کلام تعریف شده‌اند. از رایج‌ترین این ساختارهای قالبی و ابزارهای شناختی میتوان عباراتی نظیر: «من هشدار میدهم که...»، «من اخطار میکنم که...»، «من تو را بر حذر میدارم از...»، «زنهار که...» و «مراقب باش که...» را برشمرد (پهلوان‌نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷: ۱۲).

کارکرد اثربخش و جهت‌دهنده این نوع از کنشها را میتوان در متون بنیادین، حکمتهای عامیانه (مانند ضرب‌المثلها) و متون مقدس بخوبی رهگیری نمود. بعنوان نمونه، در قرآن کریم، مفهوم «انذار» (بیم دادن و هشدار) در کنار «بشارت»، از ارکان اصلی کلام الهی برای هدایت انسان‌هاست. خداوند به‌منظور آگاه‌سازی انسان از پیامدهای اعمالش و دور نگاه داشتن او از خسران، از عبارات، کلمات و قالب‌های بلاغی متنوعی بهره برده است که حاوی کنشهای هشدار عمیق هستند و با تأثیرگذاری بر بستر روانی و شناختی مخاطب، بازدارندگی لازم را در برابر خطرات مادی و معنوی ایجاد میکنند.

بحث اصلی

در این بخش، داده‌های جمع‌آوری شده، ارائه و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. از آنجا که هدف اساسی این بخش پاسخگویی به سؤالات پژوهشی است، لذا داده‌ها پیرامون سؤالات پژوهشی، طبقه‌بندی و ارائه شده است. از اینرو، برای نیل به اهداف پژوهش از روش پژوهشی تحلیل محتوا استفاده شده است.

تحلیل داده‌ها

سؤال اول پژوهش

عمده‌ترین کنشهای گفتاری (اظهاری، ترغیبی، عاطفی، هشدار و تعهدی) در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی کدامند؟

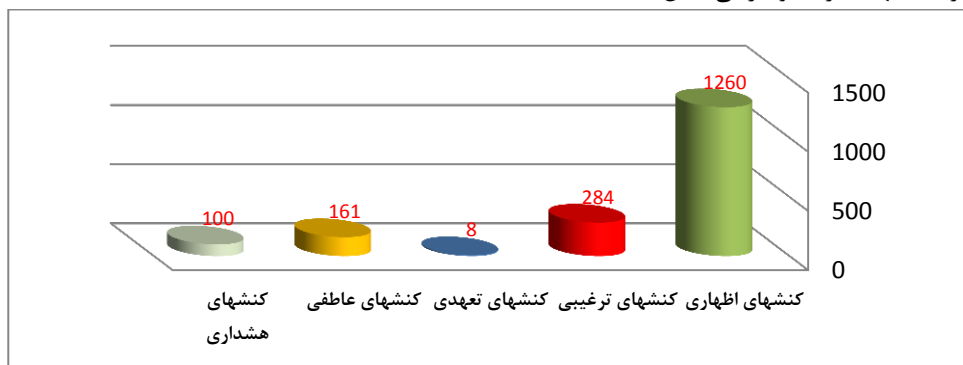
در جدول شماره ۱، میزان ضرب‌المثل‌های بررسی شده کردی و فارسی بر اساس نظریه کنشهای گفتاری سرل نشان داده شده است.

جدول (۱) فراوانی و درصد ضرب‌المثل‌های بررسی شده کردی و فارسی بر اساس نظریه کنشهای گفتاری سرل

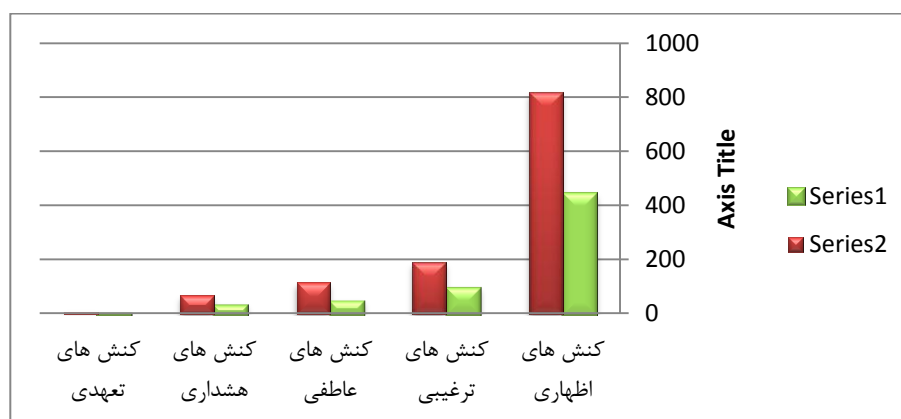
کنشهای گفتاری	ضرب‌المثل‌ها	تعداد	جمع کل	درصد
کنش اظهاری	کردی	۴۴۳	۱۲۶۰	۶۹/۵
	فارسی	۸۱۷		
کنش ترغیبی	کردی	۹۶	۲۸۴	۱۵/۷
	فارسی	۱۸۸		
کنش عاطفی	کردی	۴۸	۱۶۱	۸/۹
	فارسی	۱۱۳		
کنش هشدار	کردی	۳۳	۱۰۰	۵/۵
	فارسی	۶۷		
کنش تعهدی	کردی	۳	۸	۰/۴
	فارسی	۵		
مجموع	کردی	۶۲۳	۱۸۱۳	۱۰۰٪
	فارسی	۱۱۹۰		

مطابق آنچه در جدول (۱) ذکر شده است مجموع ضرب‌المثل‌های بررسی شده در این پژوهش ۱۸۱۳ مورد بود که از این میان ۶۲۳ ضرب‌المثل کردی انتخاب و برای آنها ۱۱۹۰ مشابه فارسی آورده شده است. بررسیهای به عمل آمده نشان داد که کنش اظهاری با مجموع ۱۲۶۰ مورد (۴۴۳ مورد در زبان کردی و ۸۱۷ مورد در زبان فارسی) بالاترین بسامد را در این ضرب‌المثل‌ها داشته است. همچنین کنش ترغیبی با ۲۸۴ مورد (۹۶ مورد در زبان کردی و ۱۸۸ مورد در زبان فارسی) در جایگاه دوم قرار داد. کنش عاطفی با مجموع ۱۶۱ مورد (۴۸ مورد در زبان کردی و ۱۱۳ مورد در زبان فارسی) در رتبه سوم قرار می‌گیرد. همچنین کنش هشدار با مجموع ۱۰۰ مورد (۳۳ مورد در زبان کردی و ۶۷ مورد در زبان فارسی) در رتبه چهارم قرار داد. نتایج بررسیها نشان داد که

کنش تعهدی کمترین بسامد را در بین جامعه پژوهش داشته و تنها ۸ مورد (۳ مورد در زبان کردی و ۵ مورد در زبان فارسی) را به خود اختصاص داده است. نمودار (۱) و (۲) بسامد انواع کنشهای گفتاری از دیدگاه سرل را در ضرب‌المثلهای کردی و فارسی نشان میدهد.



نمودار ۱: بسامد انواع کنشهای گفتاری از دیدگاه سرل در ضرب‌المثلهای کردی و فارسی



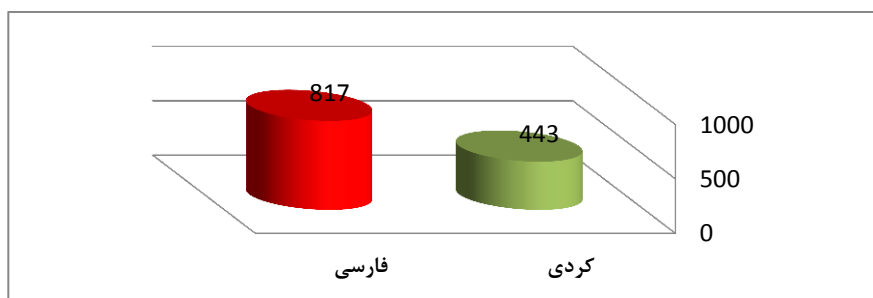
نمودار ۲: بسامد انواع کنشهای گفتاری از دیدگاه سرل در ضرب‌المثلهای کردی و فارسی به تفکیک زبان

کنشهای اظهار

از مجموع ۱۸۱۳ ضرب‌المثل بررسی شده، ۱۲۶۰ مثل دارای کنش اظهار بوده‌اند که از این تعداد، ۴۴۳ مورد (معادل ۳۵/۲ درصد) ضرب‌المثل کردی و ۸۱۷ مورد (معادل ۶۴/۸ درصد) معادل‌های فارسی آنها بوده است. این آمار نشان میدهد که کنش اظهار بالاترین بسامد را در میان ضرب‌المثلهای هر دو زبان دارد. جدول (۲) فراوانی و درصد کنشهای اظهار در ضرب‌المثلهای بررسی شده کردی و فارسی بر اساس نظریه کنشهای گفتاری سرل

زبان	تعداد در کنش	درصد
کردی	۴۴۳	۳۵/۲
فارسی	۸۱۷	۶۴/۸

زبان	تعداد در کنش	درصد
مجموع	۱۲۶۰	۱۰۰



نمودار (۳): بسامد کنشهای اظهاری در ضرب‌المثلهای بررسی شده کردی و فارسی بر اساس نظریه کنشهای گفتاری سرل

دلیل غلبه مطلق کنش اظهاری (با ۱۲۶۰) مورد از کل (۱۸۱۳) ضرب‌المثل، در هر دو زبان کردی و فارسی، به ماهیت و کارکرد بنیادین ضرب‌المثلهای بازمیگردد. بر اساس نظریه کنشهای گفتاری، هدف کنش اظهاری بازنمایی واقعیت، توصیف جهان پیرامون و بیان حقایق است. ضرب‌المثلهای نیز در اساس، چکیده تجربیات، مشاهدات و باورهای یک جامعه هستند که نسل به نسل منتقل شده‌اند. گوینده با استفاده از یک ضرب‌المثل اظهاری، تلاش میکند تا یک وضعیت خاص در زمان حال را با یک قانون کلی و پذیرفته‌شده در جامعه تطبیق دهد و از این طریق، ادعای خود را مستند و واقعی جلوه دهد.

بررسی تطبیقی میان دو زبان نشان میدهد که هم در زبان کردی (۴۴۳ مورد) و هم در زبان فارسی (۸۱۷ مورد)، تمایل اصلی گویشوران بر توصیف واقعیت‌ها و انتقال جهان‌بینی است. این تشابه چشمگیر آماری، حاکی از یک همپوشانی عمیق شناختی و فرهنگی میان متکلمان این دو زبان است. هر دو جامعه از ضرب‌المثلهای بیشتر به عنوان آینه‌ای برای انعکاس حقایق زندگی، سرشت انسانها و پیامدهای طبیعی رفتارها استفاده میکنند تا ابزاری برای دستور دادن یا بیان احساسات فردی.

جهت تبیین دقیق‌تر کارکردهای این کنش در پیکره پژوهش، میتوان به نمونه‌هایی از آن اشاره کرد. برای مثال، در کنشهای اظهاری با کارکرد انتقادی و هنجاری، ضرب‌المثل کردی «به قسه‌ی کهرئ جۆ نا بارئ» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۶۲) به معنای «با حرف خر از آسمان جو نمی‌بارد»، معادل ضرب‌المثل فارسی «به دعای گربه‌ی سیاه، باران نمی‌بارد» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۲۶۸) است. از منظر کاربردشناختی، گوینده در ظاهر به ناتوانی گفتار یک موجود بی‌صلاحیت در ایجاد رویدادی طبیعی اشاره میکند، اما نیت گفتاری وی، ارزیابی منفی و تأکید بر بی‌اثر بودن سخن افراد ناآگاه است. در هر دو فرهنگ، جامعه میان گفتار معتبر و بی‌اثر تمایز قائل است و این کنش اظهاری، بی‌ثمر بودن سخن بدون پشتوانه را به شکلی موجز و انتقادی بازتاب میدهد.

در نمونه‌ای دیگر که کارکرد بیان قوانین و سنن اجتماعی دارد، میتوان به ضرب‌المثل کردی «هه‌موو شت‌ئ‌ک له باریکایه‌دا ده‌پچ‌رئ زو‌لم له ئه‌ستوورایه‌دا» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۴۹۱) اشاره کرد که معنای آن «هر چیزی از باریکی پاره میشود، ظلم از کلفتی» است. این گزاره با ضرب‌المثلهای فارسی «ظلم چون از حد گذرد، پاره شود» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۷۰۷) و «فواره چون بلند شود، سرنگون شود» (همان: ۷۴۸) هم‌پوشانی معنایی

دارد. پیام این مثل، بیان یک قانون قطعی و جهان‌شمول درباره سرانجام ستمگری است؛ به‌طوری‌که برخلاف قوانین فیزیکی که اجسام ضعیف گسسته میشوند، در پدیده‌های اجتماعی، ظلم در اوج قدرت (کلفتی) فرو می‌پاشد. چون گوینده در حال گزارش یک حقیقت ثابت اجتماعی است، این کلام دقیقاً در چارچوب کنش اظهاری قرار می‌گیرد.

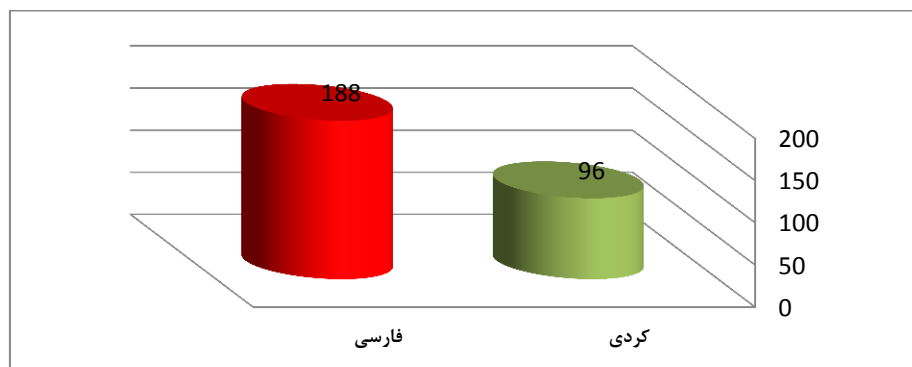
همچنین، بخش قابل‌توجهی از کنشهای اظهاری به توصیف ویژگیهای روان‌شناختی و رفتاری انسان‌ها می‌پردازند. به عنوان نمونه، ضرب‌المثل کردی «هەر لێ عەرشی ههتا قورشی کەس بە دۆی خۆی نالێ ترشه» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۴۸۳) به معنای «از عرش تا فرش کسی به دوغ خود نمی‌گوید ترش است»، دقیقاً معادل ساختار فارسی «کس نمی‌گوید که دوغ من ترش است» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۷۸۷) عمل میکند. این بیان به یک ویژگی مشترک انسانی، یعنی «تعصب بر داشته‌های فردی» اشاره دارد. تصویرسازی با «دوغ» در زبان کردی و «ماست» در زبان فارسی، نشان‌دهنده یکسانی الگوهای شناختی در هر دو زبان برای توصیف یک خصلت عمومی است و از آنجا که هدف از بیان این جملات، صرفاً گزارش دادن یک واقعیت رفتاری در جامعه است، در زمره کنشهای اظهاری دسته‌بندی میشوند.

کنش ترغیبی

از مجموع ۱۸۱۳ ضرب‌المثل بررسی شده، ۲۸۴ مثل دارای کنش ترغیبی بوده‌اند که از این تعداد، ۹۶ مورد (معادل ۳۳/۸ درصد) ضرب‌المثل کردی و ۱۸۸ مورد (معادل ۶۶/۲ درصد) معادل‌های فارسی آنها بوده است. جدول (۳) فراوانی و درصد کنشهای ترغیبی در ضرب‌المثل‌های بررسی شده کردی و فارسی بر اساس نظریه کنشهای

گفتاری سرل

زبان	تعداد در کنش	درصد
کردی	۹۶	۳۳/۸
فارسی	۱۸۸	۶۶/۲
مجموع	۲۸۴	۱۰۰



نمودار (۴): بسامد کنشهای ترغیبی در ضرب‌المثل‌های بررسی شده کردی و فارسی بر اساس نظریه کنشهای گفتاری سرل

کنش ترغیبی با اختصاص ۲۸۴ مورد از کل پیکره، دومین جایگاه را در این پژوهش به خود اختصاص داده است. بر اساس نظریه کنشهای گفتاری سرل، کنش ترغیبی تلاشی از سوی گوینده است تا شنونده را به انجام کاری

وادر کند و مفاهیمی نظیر توصیه، نصیحت، تقاضا یا نهی را در بر میگیرد. جایگاه دوم این کنش در ادبیات عامه، نشان‌دهنده کارکرد پررنگ «تعلیمی و تربیتی» ضرب‌المثلهاست. جوامع سنتی همواره از ادبیات شفاهی به عنوان ابزاری برای غیرمستقیم نصیحت کردن، هدایت رفتار جوان‌ترها و حفظ هنجارهای اخلاقی استفاده کرده‌اند. تشابه ساختاری و معنایی میان زبان کردی و فارسی در این بخش نشان میدهد که هر دو فرهنگ، از ضرب‌المثلها به عنوان یک «نیروی کنترل‌گر اجتماعی ظریف» بهره میبرند. در هر دو زبان، زمانی که فرد میخواهد پندی اخلاقی بدهد یا کسی را از انجام یک کار اشتباه بازدارد، به جای استفاده از لحن دستوری مستقیم که ممکن است تهاجمی به نظر برسد، از قالب تمثیلی امثال بهره میگیرد تا پندآموزی با پذیرش بیشتری همراه باشد. جهت تبیین این کارکرد، سه نمونه از این کنشها در ادامه واکاوی شده است:

یکی از کارکردهای بارز کنش ترغیبی، «تشویق به عمل‌گرایی و پرهیز از شعار دادن» است. در ضرب‌المثل کردی «هه‌ل‌وا هه‌ل‌وا زار شیرن» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۴۸۷) و معادل دقیق فارسی آن یعنی «با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمیشود» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۴۲۳)، پیام روشنی نهفته است که صرفاً با حرف زدن، کاری از پیش نمیرود. کاربرد واژه «حلوا» به عنوان یک خوراکی شیرین در هر دو زبان نشان میدهد که به زبان آوردن نام یک پدیده مطلوب، جایگزین تجربه عملی آن نخواهد شد. از آنجا که نیت غایی گوینده این است که مخاطب را از انفعال و حرف زدن بی‌عمل بازدارد و او را به انجام کار واقعی سوق دهد، این پیام مستقیماً در زمره کنش ترغیبی قرار میگیرد.

دومین کارکرد پربسامد این کنش، «هشدار دادن و دعوت به احتیاط» است. ضرب‌المثل کردی «هه‌مو خورپه‌یه‌ک ئاو نییه هه‌مو چندراوئ‌ک جاو نییه» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۴۸۸) با مضمون «هر شُر شُر صدای آب نیست...»، معادل ضرب‌المثلهای فارسی «هر گردی گردو نیست» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۱۰۲۲) یا «هر علفی بوی مشک نمیدهد» است. این عبارات تمثیلی، به صراحت هشدار میدهند که نباید فریب شباهتهای ظاهری پدیده‌ها را خورد. از آنجا که گوینده قصد دارد به مخاطب آگاهی دهد تا زودباور نباشد و رفتار شناختی خود را بر اساس احتیاط تنظیم کند، این جملات به عنوان یک کنش ترغیبی بازدارنده عمل میکنند.

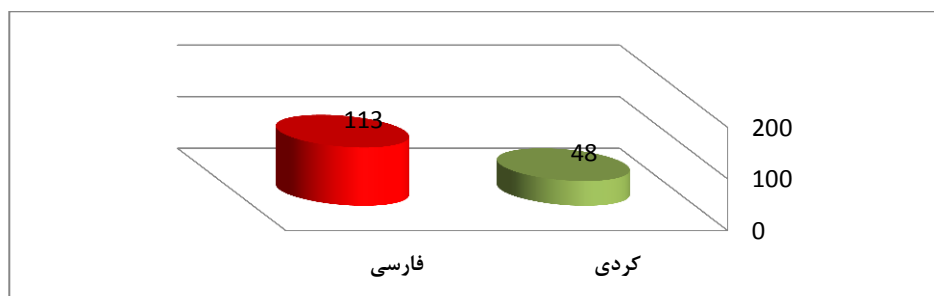
سومین کارکرد مهم این دسته از کنشها، «صدور دستور، سرزنش و وادار کردن به سکوت» است. برای مثال، ضرب‌المثل کردی «هه‌مو که‌س پکا ده‌نگ‌ئ ئەت‌ۆ پچ‌ۆ بن بئ‌ئینگ‌ئ» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۴۹۲) که با لحنی تند به شخص میگوید «هر کسی حرف بزند تو برو زیر غربال پنهان شو»، در فرهنگ فارسی با معادلهایی نظیر «دیگ به دیگ می‌گه روت سیاه» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۵۵۵) یا دستورهای بازدارنده‌ای عمل میکند. این ساختارها معمولاً برای مهار کردن افراد پررویی استفاده میشوند که با وجود داشتن عیبهای فراوان، از دیگران انتقاد میکنند. چون گوینده با تحکم قصد دارد مخاطب را از ادامه صحبت بازدارد و رفتار او را متوقف کند، این گزاره‌ها نمونه‌ای بارز از کنش ترغیبی با بار معنایی نهی و دستور محسوب میشوند.

کنش عاطفی

از مجموع ۱۸۱۳ ضرب‌المثل بررسی شده، ۱۶۱ مثل دارای کنش عاطفی بوده‌اند که از این تعداد، ۴۸ مورد (معادل ۲۹/۸ درصد) ضرب‌المثل کردی و ۱۱۳ مورد (معادل ۷۰/۲ درصد) معادل‌های فارسی آن‌ها بوده است. جدول (۴) فراوانی و درصد کنشهای عاطفی در ضرب‌المثلهای بررسی شده کردی و فارسی بر اساس نظریه کنشهای گفتاری سرل

زبان	تعداد در کنش	درصد
------	--------------	------

کردی	۴۸	۲۹/۸
فارسی	۱۱۳	۷۰/۲
مجموع	۱۶۱	۱۰۰



نمودار (۵): بسامد کنشهای عاطفی در ضرب‌المثل‌های بررسی شده کردی و فارسی بر اساس نظریه کنشهای گفتاری سرل

کنش عاطفی با اختصاص ۱۶۱ مورد، بازتاب‌دهنده حالات روانی و احساسی گوینده (نظیر حسرت، شادی، غم، شکایت، تعجب یا سرزنش) است. دلیل بسامد متوسط این کنش در پیکره پژوهش آن است که امثال این دسته، غالباً در موقعیتهای خاص و برای ابراز واکنشهای هیجانی نسبت به ناملایمات یا شگفتی‌های زندگی روزمره به کار میروند. این ضرب‌المثلها به گوینده مجال میدهند تا درونی‌ترین احساسات خود را در قالبی آشنا و فرهنگی که بلافاصله برای مخاطب قابل درک است، برون‌ریزی کند. تشابه چشمگیر میان زبان کردی و فارسی در این بخش، نشان‌دهنده اشتراکات عمیق روانی و اجتماعی است؛ بهره‌گیری از استعاره‌های همسان برای بیان اندوه، گلایه از روزگار یا ابراز شگفتی، ثابت میکند که ساختار عاطفی و واکنشهای هیجانی متکلمان هر دو زبان در مواجهه با رویدادهای زیسته، بسیار به یکدیگر نزدیک است.

جهت تبیین دقیق‌تر، میتوان به کارکرد «گلایه و ابراز ناخرسندی» در این کنشها اشاره کرد. ضرب‌المثل کردی «نه‌فەسی له جئێ گەرمەوه دئ» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۴۲۴) که عیناً در زبان فارسی به صورت «نفسش از جای گرم درمی‌آید» یا در کنار عبارت «سواره از پیاده خبر ندارد» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۶۵۱) کاربرد دارد، به شکاف عمیق میان ادراک فرد مرفه و تجربه انسان رنج‌دیده می‌پردازد. در اینجا «گرمای جایگاه»، استعاره‌ای از امنیت اقتصادی و روانی است که مانع از همدلی میشود. از آنجا که نیت اصلی گوینده در این گزاره، صرفاً توصیف یک وضعیت نیست، بلکه ابراز گلایه، کنایه و واکنش عاطفی به بی‌تفاوتی مخاطب است، این کلام به روشنی در قلمروی کنش عاطفی قرار میگیرد.

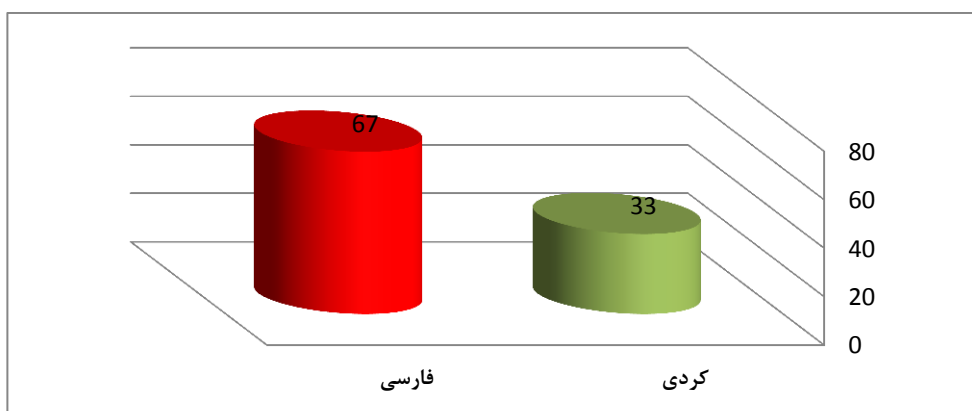
نمونه دیگر، بیان احساس «بیزاری و کلافگی» است که در ضرب‌المثل کردی «نه شیرێ و شتر نه دیداری عه‌په‌ب» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۴۲۳) و معادل‌های فارسی آن نظیر «عطایش را به لقایش بخشیدم» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۷۲۲) یا «ما را به خیر تو امید نیست، شر مرسان» (همان: ۸۵۷) تبلور یافته است. این ضرب‌المثلها که ریشه در روایات و تجربیات تاریخی مشترک دارند، تصویرگر انصراف و بریدن کامل از یک موضوع هستند. نیت ارتباطی گوینده در اینجا، اعلام بی‌ رغبتی مطلق و خستگی نسبت به فرد یا وضعیتی است که آسیب بیش از سود آن ارزیابی میشود؛ لذا این برون‌ریزی احساسی، مصداق بارز یک کنش عاطفی است.

در نهایت، میتوان به کارکرد «تحقیر و تمسخرِ تفاخر بی‌جا» اشاره کرد. زمانی که فردی فاقد صلاحیت سعی در ابراز وجود و دخالت در اموری بزرگ‌تر از ظرفیت خویش دارد، خرد جمعی با زبان طنز به مقابله با او برمیخیزد. زبان کردی با تصویرسازی «کیسه‌لّیش کاوئژئ ده‌کا» به معنی سنگ‌پشت هم نشخوار میکند (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۳۳۷) و زبان فارسی با عباراتی چون «قورباغه آوازخوان شده بیات گاو می‌خواند» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۷۶۲) یا «بلبلان خاموش و خر در عرعر است» (همان: ۷۶۲)، به نقد ادعاهای گزاف میپردازند. هدف گوینده در این عبارات، تحقیر مدعی و بازگرداندن او به جایگاه واقعی‌اش از طریق ابزار تمسخر است که این رویکرد، گزاره‌های مذکور را مستقیماً در دسته کنشهای عاطفی جای میدهد.

کنش هشدار

از مجموع ۱۸۱۳ ضرب‌المثل بررسی شده، ۱۰۰ مثل دارای کنش هشدار بوده‌اند که از این تعداد، ۳۳ مورد (معادل ۳۳ درصد) ضرب‌المثل کردی و ۶۷ مورد (معادل ۶۷ درصد) معادلهای فارسی آن‌ها بوده است. جدول (۵) فراوانی و درصد کنشهای هشدار در ضرب‌المثلهای بررسی شده کردی و فارسی بر اساس نظریه کنشهای گفتاری سرل

زبان	تعداد در کنش	درصد
کردی	۳۳	۳۳٪
فارسی	۶۷	۶۷٪
مجموع	۱۰۰	۱۰۰



نمودار (۶): بسامد کنشهای هشدار در ضرب‌المثلهای بررسی شده کردی و فارسی بر اساس نظریه کنشهای گفتاری سرل

وجود ۱۰۰ مورد کنش هشدار در میان داده‌ها، بیانگر نیاز بنیادین جامعه به پیشگیری از آسیب‌ها و خطرات احتمالی است. کنش هشدار وظیفه دارد پیامدهای منفی و جبران‌ناپذیر یک عمل را به شنونده گوشزد کند. استفاده از قالب ضرب‌المثل برای این منظور، بدان جهت است که تجربه تلخ گذشتگان، اعتبار و نفوذ کلام را افزایش داده و مخاطب را بیشتر به تفکر وامی‌دارد. حضور ۳۳ مورد کردی و ۶۷ مورد فارسی در این دسته، نشان‌دهنده یک مکانیسم دفاعی مشترک در هر دو فرهنگ است. شرایط مشابه اقلیمی و اجتماعی سبب شده تا

این جوامع، مجموعه‌ای از هشدارها درباره عواقب طمع، خطرات پنهان و اعتماد بی‌جا را برای حفظ بقا و امنیت روانی خود خلق کنند. جهت تبیین دقیق‌تر این کارکرد، سه نمونه شاخص در ادامه واکاوی شده است:

نخستین نمونه، هشدار نسبت به «قانون بازگشت عمل و تجاوز به حریم دیگران» است. برای تبیین این قاعده که هر کنشی، واکنشی هم‌سنخ یا شدیدتر در پی دارد، ضرب‌المثل کردی «له ده‌رکی کهس مه‌ده تا کهس له ده‌رکت نه‌دا» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۳۶۷) از استعاره «کوبیدن در» بهره می‌برد. این تصویر با دقتی بالا در معادلهای فارسی نظیر «انگشت مکن رنجه به در کوفتن کس / تا کس نکند رنجه به در کوفتنن مشت» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۱۶۱) بازآفرینی شده است؛ با این تفاوت ظریف که زبان فارسی در واکنش، شدت فیزیکی را بالا می‌برد (تبدیل انگشت به مشت). نیت گوینده آگاه‌سازی مخاطب از تبعات محتمل رفتار اوست و ساختار دستوری نهی در هر دو زبان، این گزاره را مستقیماً در حوزه کنش هشدار قرار می‌دهد.

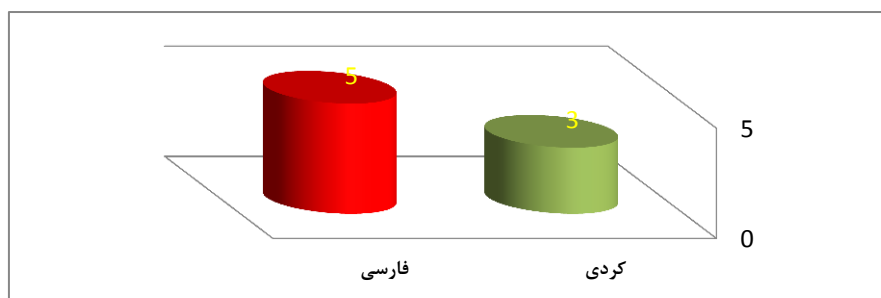
دومین کارکرد مهم، هشدار درباره «قضاوت بر اساس ظاهر آرام و خطرات پنهان» است. زبان کردی با استفاده از قاعده اقلیمی «له ئاوی خۆر مه‌ترسه، له ئاوی مه‌ند بترسه» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۳۵۷)، مفهومی کاملاً معادل ضرب‌المثل فارسی «از آن نترس که های و هوی دارد، از آن بترس که سر به تو دارد» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۷۶) را تولید می‌کند. در اینجا، آب راکد نماد افراد تودار و خاموشی است که پتانسیل آسیب‌رسانی پنهان دارند. کاربرد صریح افعال امر و نهی (نترس/بترس) در مواجهه با این نمادها، این عبارات را به هشدارهایی قاطع در حوزه شناخت و روابط انسانی تبدیل می‌کند.

سومین مصداق، هشدار درباره «تکرار خطر و اتکای بیش از حد به شانس» است. خرد عامه همواره گوشزد می‌کند که تکرار یک رفتار پرخطر، لاجرم به فاجعه ختم می‌شود. ضرب‌المثل کردی «گۆزه هه‌مو جائی به ساغی له کانی را نایه‌ته‌وه» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۳۴۵) همتای دقیق کنایه‌های فارسی «سبو همیشه از آب سالم برنیاید» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۶۲۲) یا «یک بار جستی ملخک...» (همان: ۱۰۵۹) است. گوینده با بیان این تمثیل، در پی باطل کردن توهم مصونیت دائمی شنونده است و قصد دارد ترمز خطاهای متکی بر بخت و اقبال را بکشد؛ لذا این گزاره‌ها به وضوح کنشی هشدار و پیشگیرانه محسوب می‌شوند.

کنش تعهدی

از مجموع ۱۸۱۳ ضرب‌المثل بررسی شده، ۸ مثل دارای کنش تعهدی بوده‌اند که از این تعداد، ۳ مورد (معادل ۳۷/۵ درصد) ضرب‌المثل کردی و ۵ مورد (معادل ۶۲/۵ درصد) معادلهای فارسی آن‌ها بوده است. جدول (۶) فراوانی و درصد کنشهای تعهدی در ضرب‌المثلهای بررسی شده کردی و فارسی بر اساس نظریه کنشهای گفتاری سرل

زبان	تعداد در کنش	درصد
کردی	۳	۳۷/۵
فارسی	۵	۶۲/۵
مجموع	۸	۱۰۰



نمودار (۷): بسامد کنشهای تعهدی در ضرب‌المثل‌های بررسی شده کردی و فارسی بر اساس نظریه کنشهای گفتاری سرل

یافتن تنها ۸ مورد کنش تعهدی (از مجموع ۱۸۱۳ مورد) یکی از مهم‌ترین یافته‌های تحلیلی این پژوهش است. بر اساس نظریه کنشهای گفتاری سرل، در کنش تعهدی، گوینده متعهد میشود که در آینده عمل خاصی را انجام دهد (مانند قول دادن، سوگند خوردن یا تضمین کردن). دلیل بسامد بسیار پایین و تقریباً نزدیک به صفر این کنش در هر دو زبان، تضاد ماهوی آن با ساختار ضرب‌المثل است؛ کنش تعهدی ذاتاً رویکردی «شخصی و معطوف به آینده گوینده» دارد، در حالی که ضرب‌المثل‌ها گزاره‌هایی «غیرشخصی، عمومی و بی‌زمان» هستند. ضرب‌المثل‌ها صدای جمعی جامعه‌اند و کمتر پیش می‌آید که در قالب فردی «من متعهد می‌شوم» بیان گردند. این امر اثبات میکند که در ساختار شناختی هر دو زبان، مثل ابزاری برای بیان تعهدات فردی نیست، بلکه یک قانونمندی جهان‌شمول برای قضاوت عمومی است. با این حال، همان معدود موارد یافت شده نیز کارکردهای ظریف و قابل تأملی دارند که در ادامه به سه نمونه از آن‌ها پرداخته میشود:

نخستین مورد، تعهد به «واکنش متقابل» است. ضرب‌المثل کردی «جووابی ته‌حای په‌حایه» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۱۰۹) و معادل نام‌آشنای فارسی آن «جواب‌های، هوی است» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۳۷۱)، در ظاهر یک گزارش ساده اجتماعی‌اند، اما در بطن خود حامل یک وعده یا تهدید ضمنی (کنش تعهدی) هستند. گوینده متعهد میشود که هرگونه رفتار تند یا پرخاشگرانه (های / ته‌حای) را با پاسخی از همان سنخ و با همان شدت (هوی / په‌حایه) جبران کند. این گزاره، قانون کنش و واکنش اجتماعی را در قالب یک تعهد رفتاری تثبیت میکند.

دومین نمونه، تعهد به «حفظ محرمانگی و ایجاد حلقه امن اطلاعاتی» است. عباراتی چون «قسه‌ی خو‌مان بئ و له نئ‌ومان دهر نه‌چئ» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۲۸۴) و معادل‌های فارسی آن نظیر «حرف، حرفِ خودمان باشد» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۴۱۳)، کارکردی دوگانه دارند. گوینده با بیان این عبارات، دیواری نامرئی به دور گفتگوی خود میکشد و شنونده را در یک پیمان نانوشته برای حفظ راز شریک میکند. این گزاره از یک سو یک «کنش تعهدی» برای شراکت در رازداری است و از سوی دیگر، به عنوان یک کنش بازدارنده، شنونده را از افشای اطلاعات نهی میکند.

سومین کارکرد، «تضمین قاطع برای پایان دادن به مناقشه» است. ضرب‌المثل کردی «قسئ‌کت بئ بئ‌م بابی همه‌مو قسان بئ» (فتاحی قاضی، ۱۳۶۴: ۲۸۷) و معادل‌های فارسی آن مانند «یک کلام، ختم کلام» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۹: ۱۰۷۵) یا «شاه‌بیت حرف‌ها»، ابزارهایی زبانی برای در دست گرفتن کامل کنترل گفتگو هستند. گوینده پیش از ادای جمله اصلی، فضایی زبانی خلق میکند و به مخاطب تضمین و

«تعهد» قاطع میدهد که کلام پیش رو، عصاره حقیقت و پایان‌بخش تمام مجادلات خواهد بود. هسته مرکزی این گزاره، همان پیمان و گارانتی معنایی گوینده است که کفه آن را در ترازوی کنشهای تعهدی سنگینتر میکند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل کاربردشناختی ضرب‌المثل‌های دو زبان فارسی و گویش کردی کرمانجی میانه (سورانی) بر پایه نظریه کنشهای گفتاری جان سرل انجام پذیرفت. ضرب‌المثل‌ها به عنوان یکی از غنیترین عناصر ادبیات شفاهی، تنها جملاتی با ساختار ثابت و آهنگین نیستند، بلکه ابزارهایی کارآمد برای انتقال نیت گوینده در بافتارهای گوناگون اجتماعی به شمار می‌روند. بررسی پیکره‌ای متشکل از ۱۸۱۳ ضرب‌المثل، شامل ۱۱۹۰ مورد فارسی و ۶۲۳ مورد کردی، نشان داد که گویشوران هر دو زبان، فراتر از معنای ظاهری واژگان، از امثال و حکم برای انجام کنشهای زبانی مشخصی بهره می‌برند. دستاوردهای این پژوهش تصویری روشن از چگونگی بازتاب کنشهای زبانی در خرد جمعی این دو فرهنگ ارائه میدهد.

در پاسخ به پرسش نخست پژوهش مبنی بر تعیین عمده‌ترین کنشهای گفتاری در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی، بررسی داده‌ها نشان میدهد که از میان ۱۱۹۰ ضرب‌المثل بررسی شده، کنش اظهاری با اختصاص ۸۱۷ مورد به خود، با اختلافی فاحش عمده‌ترین و پرکاربردترین کنش گفتاری است. پس از آن، کنشهای ترغیبی با ۱۸۸ مورد، عاطفی با ۱۱۳ مورد، هشدار با ۶۷ مورد و تعهدی با ۵ مورد در رتبه‌های بعدی قرار میگیرند. غلبه مطلق کنش اظهاری در زبان فارسی بازتاب‌دهنده کارکرد بنیادین ضرب‌المثل در فرهنگ ایرانی است؛ به این معنا که ضرب‌المثل‌ها پیش از هر چیز ابزاری برای توصیف جهان، بیان حقایق پایدار و بازنمایی واقعیت‌های زندگی هستند. متکلم فارسی‌زبان با استفاده از کنش اظهاری در قالب ضرب‌المثل، ادعای خود را با پیوند زدن به خرد جمعی گذشتگان، مستند و موجه جلوه میدهد. بسامد بالای کنش ترغیبی نیز در جایگاه دوم، نشان‌دهنده سنت قدرتمند اندرزگویی و ادبیات تعلیمی در فرهنگ فارسی است که از طریق آن، افراد به صورت غیرمستقیم به انجام کارهای نیک ترغیب یا از رفتارهای ناپسند بازداشته میشوند.

در خصوص پرسش دوم و بررسی داده‌های مربوط به گویش کردی کرمانجی میانه (سورانی)، تحلیل ۶۲۳ ضرب‌المثل الگویی کاملاً مشابه با زبان فارسی را به تصویر می‌کشد. در این گویش نیز کنش اظهاری با ۴۴۳ مورد در صدر کنشهای گفتاری قرار دارد و در مراتب بعدی، کنشهای ترغیبی با ۹۶ مورد، عاطفی با ۴۸ مورد، هشدار با ۳۳ مورد و نهایتاً تعهدی با ۳ مورد جای گرفته‌اند. جامعه کردی، به عنوان جامعه‌ای با ریشه‌های عمیق در زیست جمعی و خرد شفاهی، به شکل گسترده‌ای از کنش اظهاری برای انتقال جهان‌بینی و تجربیات زیسته از نسلی به نسل دیگر بهره میبرد. ضرب‌المثل‌های سورانی در این دسته، غالباً قوانینی نانوشته درباره سرشت انسان و پیامد اعمال را بیان میکنند. حضور پررنگ کنشهای ترغیبی، عاطفی و هشدار نیز حاکی از آن است که در بافتار فرهنگی کردستان، ضرب‌المثل نقشی حیاتی در کنترل اجتماعی، همبستگی گروهی، بیان دردهای مشترک و هشدار در برابر خطرات ایفا میکند.

با گذر از بررسی مجزای هر زبان و در پاسخ به پرسش سوم پیرامون شباهتها و تفاوت‌های معنادار این دو زبان، مهم‌ترین و برجسته‌ترین یافته این پژوهش، تطابق و همسویی شگفت‌انگیز توزیع آماری و کاربردشناختی کنشهای گفتاری است. با وجود تفاوت در تعداد کل ضرب‌المثل‌های بررسی شده، درصد تخصیص هر کنش در هر دو زبان تقریباً یکسان است. این شباهت معنادار نشان میدهد که متکلمان زبان فارسی و گویش کردی سورانی، دارای یک نظام شناختی مشترک در درک و مواجهه با پدیده‌های جهان هستند. ریشه داشتن در یک جغرافیای

فرهنگی مشترک باعث شده است تا نیازمندی‌های زبانی آن‌ها برای ابراز حقایق، نصیحت کردن و بیان احساسات در قالب ضرب‌المثل کاملاً به یکدیگر شبیه باشد.

یکی از جالبترین شباهت‌های بنیادین در این پژوهش، بسامد نزدیک به صفر کنش تعهدی در هر دو زبان است. از دیدگاه سرل، کنش تعهدی مستلزم پذیرش مسئولیت شخصی توسط گوینده در قبال یک عمل در آینده است. شباهت دو زبان در پس زدن این کنش اثبات می‌کند که ماهیت ساختاری ضرب‌المثل در هر دو فرهنگ، غیرشخصی، فاقد زمان و متعلق به خرد جمعی است؛ از اینرو، متکلم نمیتواند با استفاده از صدای جمع، تعهدی کاملاً فردی ایجاد کند. این امر نشانگر یک قانونمندی جهان‌شمول در ساختار امثال و حکم است که فراتر از مرزهای زبانی عمل می‌کند.

در کنار این شباهت‌های گسترده و با وجود آنکه از منظر کاربردشناسی کلان تفاوت فاحشی در نوع کنشها مشاهده نگردید، اما تفاوت‌های ظریفی در لایه‌های درون‌زبانی و ابزارهای استعاری تحقق این کنشها وجود دارد. گویش کردی سورانی برای ساختن کنشهای ترغیبی یا اظهاری، بیشتر وام‌دار عناصر طبیعت، کوهستان و زیست روستایی است؛ در حالی که ضرب‌المثل‌های فارسی به دلیل تنوع تاریخی شهرنشینی و تاثیرپذیری شدید از ادبیات کلاسیک، غالباً از استعاره‌های انتزاعی‌تر یا شهری‌تر بهره می‌برند. همچنین به دلیل تجربیات تاریخی متفاوت، کنشهای هشدار و عاطفی در گویش سورانی گاهی از لحنی صریح‌تر برخوردارند، در حالی که معادل‌های فارسی آن‌ها میل بیشتری به استفاده از کنایه و پرده‌پوشی برای انتقال همان هشدار نشان می‌دهند.

در یک نگاه غایی، کاربست نظریه کنشهای گفتاری سرل بر پیکره ضرب‌المثل‌های کردی سورانی و فارسی ثابت می‌کند که امثال و حکم مکانیزم‌های پویایی هستند که گویشوران برای مدیریت تعاملات اجتماعی، متقاعدسازی و تفسیر جهان از آن‌ها بهره می‌برند. قرابت عمیق ساختاری و پراگماتیک این امثال در دو زبان، سندی انکارناپذیر بر پیوند ناگسستنی فرهنگی و هم‌ریشگی فکری مردمان این دو قلمرو زبانی است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله با تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر سرکار خانم دکتر شهلا حمید محمد و آقای دکتر یوسف شریف سعید می‌باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را اعضای هیأت تحریریه نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام مینمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهدہ نویسندہ مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را برعهده میگیرند.

REFERENCES

Abassi, Mehdi, (2013), Study of Speech Acts in the Translation of Juz' 30 of the Holy Quran Based on the Opinions of Austin (1962) and Searle (1969), Master's Thesis. Ministry of Science,

- Research and Technology - University of Sistan and Baluchestan - Faculty of Literature and Humanities. (in Persian).
- Aghagolzadeh, Ferdows (2006), *Critical Discourse Analysis: The Development of Discourse Analysis in Linguistics*, Tehran: Scientific and Cultural. (in Persian).
- Ashipu, K. B. C., & Amende, C. (2013). Proverbs as Circumstantial Speech Acts. *Research on Humanities and Social Sciences*, 3(7).
- Baj, Roqiyeh (2017). Study of Command Acts in the Verses of the Holy Quran Based on the Speech Act Theory of Austin (1962) and Searle (1979), Master's Thesis. University of Sistan and Baluchestan. (in Persian).
- Fattahi Ghazi, Ghader. (1985): *Kurdish Proverbs and Rulings*, Volume 1, Tabriz, University of Tabriz. (in Persian).
- Ghobadi, Somayeh, (1991), Study of Speech Acts in the Play of Yazdgerd's Death Based on Searle's Opinions, Ninth National Conference on Literary Textual Studies. (in Persian).
- Hosseini Masoum, Mohammad and Radmard, Abdollah (2015), The effect of temporal-spatial context on speech act analysis; Comparison of the frequency of speech act types in the Meccan and Madani surahs of the Holy Quran, *Bimonthly Journal of Linguistic Studies*, Vol. 6, No. 3, (24th issue): 65-92. (in Persian).
- Kazemi, Forough and Jamshidi, Sepideh (2016), *Speech Act Theory in Persian and English*, First Edition. Tehran: Dastan. (in Persian).
- Kazemi, Forough. (2015), An Essay on Nahjul-Balaghah from the Perspective of the Linguistic Theory of Functional Speech. *Two Quarterly Scientific-Research Journals, Sahifeh Mobin*, Year 20, Issue 55, pp. 38-7. (in Persian).
- Khairabadi, Reza and Sameni, Saman (2016), *Introduction to Linguistics (with a focus on interdisciplinary approaches)*, Tehran: Farhang Library. (in Persian).
- Klégr, A. (2013). Proverbs as Speech Acts in English and Czech. *Acta Universitatis Carolinae – Philologica*, 3, 7–29.
- Lotfipour, Kazem (1993), An Introduction to Speech Analysis, *Journal of Linguistics*, Year 9, pp. 9-40. (in Persian).
- Makoy, J. L. (2022). A Pragmatic Analysis of the Speech Act of Advice in Yaka Proverbs. *International Journal of Linguistics & Communication*, 10(1), 1–12.
- Modaresi, Yahya, (2008), *An Introduction to the Sociology of Language*, Tehran: Institute of Humanities. (in Persian).
- Najafi Ayuki, Ali, Rasoul-Nia, Amir Hossein and Kaveh Noushabadi, Alireza (2017), Textual Analysis of the Shaqshaqiyya Sermon Based on Searle's Speech Act Theory, *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, Year 5, Issue 19: 17-1. (in Persian).
- Namdari, Ebrahim and Ebadi, Zahra (2017). Analysis of the Discourse of the Gospel in the Quran. *Two Quarterly Scientific-Research Journals of Quranic Linguistic Research*, Year 6, Issue 2, Serial No. 12: 217-236. (in Persian).
- Okotori, E. B. (2022). A Pragmatic Analysis of Selected Kolokuma Proverbs. *GPH-International Journal of Educational Research*, 5(09), 32–38.
- Pahlavanejad, Mohammad Reza and Lida Estahbanati. (2008). A study of speech acts in the speeches of the presidents of Iran and the United States in 2006 at the United Nations, *Foreign Language Research (Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tabriz)*, 2012, No. 268, Fall and Winter, pp. 1-2. (in Persian).
- Pourmahdi, Mohammad, Abedi, Mohammad Reza, and Lefti Reza Al-Kaki, First. (2022). A Dual Comparative Study of Good and Evil in Persian and Kurdish Proverbs and Judgments. *Persian Language Studies (Shefai Del)*, 5(9), 99-129. (in Persian).

- Ramezanzadeh, Mahmoud (2007), A Study of Speech Acts in a Selection of Contemporary Persian Plays, PhD Thesis. University of Isfahan. (in Persian).
- Rash Ahmadi, Rasoul and Elmira Shahmoradi, (2007): Kurdish Educational and Training Proverbs, Iranian People's Culture Magazine, Issue 10. (in Persian).
- Safavi, Kourosh (2000). An Introduction to Semantics, First Edition. Tehran: Islamic Propaganda Organization, Islamic Culture and Art Research Institute. (in Persian).
- Safavi, Kourosh (2003). Applied Semantics, Tehran: Hamshahri. (in Persian).
- Sajjadi, Alaeddin (2002): Kurdish Literary Dictionary, First Edition, Third Edition: Mah-Arif. (in Persian).
- Shakurzadeh Beluri, Ebrahim (2009). Twelve Thousand Persian Proverbs and Twenty-Five Thousand Their Equivalents, First Edition, Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing House. (in Persian).
- Sharifi, S., & Ebrahimi, S. (2012). Assessing Speech Acts of Curses and Prayers in Persian. Theory and Practice in Language Studies, 2(9), 1911-1916.
- Sharifrad, A. (2024). An Intercultural Comparative Study on Persian and American Embodiment Proverbs Including Double Sensory Organs. Proverbium, 41(1), 73-100.

فهرست منابع فارسی

- آقاگلزاده، فردوس. (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی، تهران: علمی و فرهنگی.
- باچ، رقیه. (۱۳۹۶ش). بررسی کنشهای امری در آیات الاحکام قرآن کریم بر اساس نظریه کنش گفتار آستین (۱۹۶۲) و سرل (۱۹۷۹)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- پورمهدی، محمد، عابدی، محمدرضا، و لفتی رضا الکاکی، فرست. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی دوگانه ی نیکی و بدی در امثال و حکم فارسی و کردی. مطالعات زبان فارسی (شفای دل)، ۵(۹)، ۹۹-۱۲۹.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و لیدا اصطهباناتی. (۱۳۸۷). بررسی کنشهای گفتاری در سخنرانی رؤسای جمهور ایران و امریکا ۱۳۸۵ سازمان ملل، پژوهش‌های زبان‌های خارجی (نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تبریز)، سال ۵۱، شماره ۲۶۸، پاییز و زمستان، صص ۱-۲.
- حسینی معصوم، محمد و رادمرد، عبدالله. (۱۳۹۴). تأثیر بافت زمانی- مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنشهای گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم، دومانه‌نامه جستارهای زبانی، د ۶، ش ۳، (پیاپی ۲۴): ۹۲-۶۵.
- خیرآبادی، رضا و سامنی، سامان. (۱۳۹۵)، مقدمات زبان‌شناسی (با تمرکز بر رویکردهای بین رشته‌ای)، تهران: کتابخانه فرهنگ.
- رش احمدی، رسول و المیرا شاه‌مرادی، (۱۳۸۶). ضرب المثل‌های تعلیمی و تربیتی کردی، مجله‌ی فرهنگ مردم ایران، شماره‌ی ۱۰.
- رمضان‌زاده، محمود. (۱۳۸۶). بررسی کنشهای گفتار در گزیده‌ای از نمایشنامه‌های معاصر فارسی، رساله دکتری. دانشگاه اصفهان.
- سجادی، علاء‌الدین. (۱۳۸۱). میژوی نه‌ده‌بی کوردی، چاپی یه‌که‌م سه‌رده‌شت: مه‌عاریف.
- شکورزاده بلوری، ابراهیم. (۱۳۸۹). دوازده هزار مثل فارسی و بیست و پنج هزار معادل آن‌ها، چاپ اول، مشهد: مؤسسه نشر آستان قدس رضوی.
- صفوی، کورش. (۱۳۷۹). درآمدی بر معناشناسی، چاپ اول. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۲). معنی‌شناسی کاربردی، تهران: همشهری

عباسی، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی کنشهای گفتاری در ترجمه‌ی جزء سی قرآن کریم بر اساس نظرات آستین (۱۹۶۲) و سرل (۱۹۶۹)، پایان نامه کارشناسی ارشد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه سیستان و بلوچستان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

فتاحی‌قازی، قادر. (۱۳۶۴). امثال و حکم کردی، جلد ۱، تبریز، دانشگاه تبریز.

قبادی، سمیه. (۱۴۰۰). بررسی کنشهای گفتاری در نمایش‌نامه مرگ یزدگرد بر اساس آرای سرل، نهمین همایش ملی متن پژوهی ادبی.

کاظمی، فروغ. (۱۳۹۴). جستاری در نهج البلاغه از منظر نظریه‌ی زبانی کارگفت. دو فصلنامه علمی- پژوهشی صحیفه مبین، سال بیستم، شماره ۵۵، صص ۳۸-۷.

کاظمی، فروغ و جمشیدی، سپیده. (۱۳۹۵). نظریه‌ی کنشهای گفتاری در فارسی و انگلیسی، چاپ اول. تهران: داستان.

لطفی‌پور، کاظم. (۱۳۷۲). درآمدی بر سخنکاو، مجله زبان‌شناسی، سال نهم، صص: ۴۰-۹.

مدرسی، یحیی. (۱۳۸۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

نامداری، ابراهیم و عبادی، زهرا. (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان بشارت در قرآن. دو فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، سال ششم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۲: ۲۳۶-۲۱۷.

نجفی ایوکی، علی، رسول‌نیا، امیر حسین و کاوه نوش‌آبادی، علیرضا. (۱۳۹۶). تحلیل متن‌شناسی خطبه‌ی شقشقیه بر اساس نظریه‌ی کنش گفتاری سرل، فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال پنجم، شماره ۱۹: ۱۷-۱.

معرفی نویسندگان

شهילה حمید محمد: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه صلاح‌الدین، اربیل، عراق.

(مسئول: نویسنده (Email: Shahla.muhamad@epu.edu.iq)

(ORCID: 0009-0003-3887-5734)

یوسف شریف سعید: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پلی‌تکنیک اربیل، دانشکده تکنیکی شقلاوه عراق.

(Email: Yousif.saeed@su.edu.krd)

(ORCID: 0009-0000-5891-2422)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Shahila Hamid Mohammad: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Salahuddin University, Erbil, Iraq.

(Email: Shahla.muhamad@epu.edu.iq : Responsible author)

(ORCID: 0009-0003-3887-5734)

Yousef Sharif Saeed: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Erbil Polytechnic University, Shaqlawah Technical College, Iraq

(Email: Yousif.saeed@su.edu.krd)

(ORCID: 0009-0000-5891-2422)